

## بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول\*

رضا شکرانی\*\*

هادی سلیمی\*\*\*

### چکیده

بسیاری از آیات قرآن رنگ و بوی اجتماعی دارند و از مباحث این کتاب الهی بر می‌آید که طرح‌ریزی جامعه‌ای خاص، مد نظر آن بوده است. از همین رو تألیفات گوناگونی پیرامون مسائل اجتماعی قرآن به نگارش درآمده و همواره این موضوع توجه پژوهشگران را جلب کرده است. از سوی دیگر قرآن کریم در یک بستر تاریخی و در شرایط مختلف نازل شده ولی تاکنون کمتر کوششی در جهت مطالعه مباحث اجتماعی قرآن منطبق با ترتیب نزول انجام شده؛ حال آن‌که چنین رویکردی می‌تواند نکات تفسیری جدیدی را آشکار کند. پژوهش حاضر با همین هدف به نگارش درآمده است. بدین‌سان، سعی بر آن شده تا آیات اجتماعی قرآن طبق روایات معتبر ترتیب نزول تنظیم شود و مراحل مختلف شکل‌گیری جامعه آرمانی مد نظر قرآن کشف شود. با مقارنه این آیات به دست می‌آید؛ قرآن کریم در سور ابتدایی مکی تعصبات نژادی جامعه جاهلی را در هم می‌شکند و دعوت می‌کند که انسان‌ها بر پایه توحید و دین خدا متحد شوند و جامعه تشکیل دهند. پس از این مراحل و در سال‌های نزول قرآن در مدینه نوعی خاص از جامعه بنیان نهاده می‌شود که روابط در آن بر پایه تقوی، عدالت، اصلاح و اخوت شکل می‌گیرد.

**کلید واژه‌ها:** جامعه‌سازی، تفسیر تنزیلی، قرآن، مکه، مدینه.

---

\*- تاریخ دریافت: ۹۸/۰۵/۱۹ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۲/۳۰

\*\* دانشیار دانشگاه اصفهان

\*\*\* دکتری تخصصی دانشگاه اصفهان

## ۱. بیان مسأله

قرآن همان توجه‌ای را که به اشخاص دارد به جامعه نیز دارد و برای آن هویت مستقل از فرد قائل می‌شود. به عنوان نمونه برای ذکر عمر و فرصت جوامع می‌فرماید: لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يَسْتَقْدِمُونَ. (اعراف/۳۴) از همین رو پژوهشگران زیادی به بررسی مباحث اجتماعی قرآن کریم پرداخته‌اند. ولی غالب این پژوهش‌ها حاصل نگاه کلی و بریده از بستر تاریخی نزول است. حال آن‌که یکی از ضروریات تفسیر توجه به شرایط تاریخی است که آیات و سوره قرآن در آن نازل شده‌اند. لذا در این مقاله برآنیم که آیات اجتماعی قرآن را بر اساس ترتیب نزول بررسی کنیم تا مراحل ساخت اجتماع مد نظر قرآن کریم مشخص شود. به دیگر سخن این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است که: فضای نزول آیات چه تأثیری بر شیوه تعبیر قرآن در موضوعات اجتماعی داشته است؟ آیا با مقارنه آیات اجتماعی تغییر و تحولی در این موضوع دیده می‌شود و به تدریج مفاهیم جدید به آن افزوده شده است؟ یا یک مفهوم ثابت در آیات مختلفی مورد تأکید قرار گرفته است؟ تا کنون آثار زیادی در مورد اجتماع در قرآن به نگارش آمده‌اند؛ جامعه در قرآن از آیت الله جوادی آملی، جامعه و تاریخ در قرآن از آیت الله مصباح یزدی و در تفاسیر مختلف که به فراخور موضوع به آن پرداخته شده است. از جمله علامه «طباطبایی» در تفسیر المیزان در ذیل آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل‌عمران مباحث عمیق و متنوعی در مورد اجتماع در اسلام مطرح می‌کند. ولی همان‌گونه که بیان شد در این آثار فاخر، نگاه تاریخی به مباحث اجتماعی قرآن غایب است و کمتر به آن توجه شده است.

مراد از ترتیب نزول در این پژوهش ترتیبی است که در روایات ذکر شده که از معتبرترین آن‌ها روایت عطا و ابوکریب از ابن عباس است که در تفاسیر و کتب علوم قرآنی (معمولاً در بخش «معرفة المکی و المدنی») انعکاس یافته است. برخی از معاصران نیز با بررسی تطبیقی این روایات و رفع عیوب آن‌ها جداولی را در ترتیب نزول قرآن تهیه کرده‌اند. مانند نگارنده «درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن» (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۴۲) و مؤلف «تفسیر تنزیلی قرآن» (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۴۵) که این جداول دارای اختلافات جزئی هستند و تا حدود زیادی می‌توانند راهگشا باشند.

## ۲- بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول

پیش از ورود به بحث اصلی، خلاصه‌ای از وضعیت اجتماعی عرب جاهلی بیان می‌شود تا فضای شبه جزیره عربستان در آستانه نزول قرآن روشن شود.

### ۲-۱- اجتماع در جاهلیت

با نگاهی به وضعیت جغرافیایی مکه آنچه که نمایان می‌شود کمبود آب و وجود بیابان‌های گسترده و احاطه شدن با کوه‌های بزرگ است. (أزرقی، بی تا: ۶۷) این شرایط موجب غلبه صحرائنشینی و زندگی بدوی بر شهرنشینی و تشکیل شهرها و جوامع بزرگ شده بود. جوامع ابتدایی که «قبیله» نام داشت بر پایه قومیت و اشتراک در نژاد پدید آمده بود و بدین وسیله آن‌ها از خود و مالشان در برابر دیگران دفاع می‌کردند. اعراب مانند دیگر اقوام سامی با مفهوم دولت آشنا نبودند و ارتباط آن‌ها فقط بر پایه نسب و قبیله بود. از همین رو آن‌ها تعصب شدیدی بر حفظ نسب خود داشتند. (علی، ۱۴۲۲: ۷۳/۱۰) بین اعراب همواره اختلافات فراوان وجود داشت و هر مسأله‌ای کوچکی می‌توانست موجبات یک نزاع شدید را پدید بیاورد. مانند

درگیری که بین اعراب در نصب حجرالاسود به وجود آمد. (ابن اثیر جزری، ۱۴۱۷: ۱/ ۶۷۵؛ برو، ۲۰۰۱: ۱/ ۱۷۷) از جمله انگیزه‌های آن‌ها برای جنگ می‌توان به غارت قبایل دیگر، جنگ بر سر آب، غنیمت، خون‌خواهی و... اشاره کرد. قرآن کریم در مسیر تحول جامعه صدر اسلام و بنیان‌نهادن جامعه آرمانی خود مراحل را طی کرد که با نگاه تاریخی به آیات می‌توان به آن‌ها پی برد. در ادامه این مراحل بیان می‌شود.

## ۲-۲- مرحله اول: تغییر بینش در روابط اجتماعی

آن‌گونه که در سابق گذاشت جامعه عرب در زمان نزول قرآن مبتنی بر نژاد بود و افراد طبق نسب مشترک گرد هم جمع می‌شدند و همواره نسب خود را از دیگران برتر می‌دانستند و بر آن فخر می‌فروختند. از همین رو قرآن کریم در سوره‌های ابتدایی مکی تغییر بینش و معرفت بنیادین در مورد روابط اجتماعی را آغاز می‌کند. لذا با تأکید بر اصل مشترک وجودی انسان‌ها و اهمیت تلاش و تزکیه سعی بر آن دارد تا معیارهای جدیدی را در مورد مرزبندی‌های اجتماعی ترسیم کند. در ادامه برخی از مهم‌ترین این آیات به ترتیب نزول بررسی می‌شود:

### ۲-۲-۱- آیه ۲ سوره مبارکه علق

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ. (علق / ۲): انسان را از علق آفرید.

سوره علق اولین سوره است که در مکه نازل گردید. صاحب «مجمع البیان» می‌نویسد: بیشتر مفسرین بر این عقیده‌اند که این اولین سوره‌ای است از قرآن که نازل شده و اوّل روزی که جبرئیل بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه و آله نازل شد در حالی که آن حضرت در کوه حراء ایستاده بود آن روز (بعث بیست و هفتم ماه

رجب) بود او را پنج آیه از اول این سوره آموخت. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۷۸۰/۱۰) «واحدی» در مقدمه اسباب النزول پنج حدیث در این باره نقل کرده و در بعضی از آن‌ها است که ابتدای نزول پنج آیه اول، نازل شده است. (واحدی، ۱۴۱۱: ۱۲/۱) علامه طباطبایی می‌نویسد: هي أول سورة نزلت من القرآن، و سياق آياتها لا يأي نزولها دفعة واحدة كما سنشير إليه، و هي مكية قطعاً. (طباطبایی، ۱۴۲۷: ۳۲۲/۲۰)

لغویان بیان کرده‌اند؛ علق کرمی است که به گلو می‌چسبد و نیز خون منعقد است و مبدأ آدمی از آن است. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ۱/۵۷۹) برخی «علق» را به معنی موجود صاحب علاقه دانسته‌اند که اشاره‌ای است به روح اجتماعی انسان، و علقه آن‌ها به یکدیگر، که در حقیقت پایه اصلی تکامل بشر و پیشرفت تمدن‌ها را تشکیل می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵۷/۲۷) این آیه اولین اشاره به انسان و چگونگی پیدایش او است. خداوند اصل آفرینش انسان‌ها را یادآور می‌شود و بیان می‌کند همه آن‌ها اگر چه تفاوت‌های بسیار دارند اما از یک جنس هستند و بدین ترتیب اولین مقدمات برای از بین بردن فاصله طبقاتی و تعصبات قبیله‌ای و ایجاد جامعه‌ای نوین ذکر می‌گردد.

## ۲-۲-۲- آیات ۳۹ و ۴۰ سوره مبارکه نجم

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ \* وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ (نجم/ ۴۰-۳۹) و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. و اینکه تلاش او بزودی دیده می‌شود

نجم بیست و سومین سوره است که بعد از سوره توحید در مکه نازل گردید، در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره پنجاه سوم است. صاحب المیزان در مورد آن می‌نویسد: گویند آن اولین سوره است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آن را،

آشکارا بر مؤمنان و مشرکان خواند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷/۱۹) این سخن می‌رساند که آن در اوائل سال چهارم بعثت نازل گشته کمی پس از آن که به حکم فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ (حجر/۹۴) آن حضرت دعوت خویش را آشکار فرمود. (قرشی، ۱۳۷۹: ۳۸۵/۱۰) در جامعه جاهلی معیار موفقیت و جایگاه افراد «نسب» بود. ولی قرآن بیان می‌کند تلاش و کوشش انسان تفاوت‌ها را رقم می‌زند. صاحب تفسیر «من هدی القرآن» می‌نویسد: انسان کسی است که خود واقع و سرنوشت حقیقی خود را می‌سازد، و هر اندازه سعی وی کوچک یا بزرگ باشد، و در هر جا که ایستاده باشد، ناگزیر نتیجه آن در دنیا و آخرت به او خواهد رسید، چه این سنتی الهی است که بر زندگی فرمان می‌راند (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۸/۱۴)

#### ۲-۲-۳ آیات ۹ و ۱۰ سوره مبارکه شمس

در سوره «شمس» که بیست و ششمین سوره بر اساس نزول است (سیوطی، ۱۹۷۴: ۴۰/۱؛ بهجت پور، ۱۳۹۰: ۳۴۵) نیز چنین مفهومی وجود دارد: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا\* وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (شمس/۹ و ۱۰): که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، و هر که آلوده‌اش ساخت، قطعاً در باخت. در این آیه شریفه مهم‌ترین اصل پیروزی یا شکست اجتماع اسلامی مطرح می‌شود. معیار ارزیابی این دو چیزی جز تزکیه نفس و رشد روح تقوی و اطاعت خداوند نیست و این مفهوم بر خلاف ارزش‌های جاهلیت است که معیار موفقیت را غلبه بر سایر قبایل در جنگ و نسب و ... می‌دانستند.

#### ۲-۲-۴ آیه ۵۴ سوره مبارکه فرقان

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا، فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَ صِهْرًا. (فرقان/۵۴)؛ و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نَسَبی و دامادی قرار داد.

سوره فرقان چهل و دومین سوره است که بعد از «یس» در مکه نازل گردید (آل‌غازی، ۱۳۸۲: ۶۵/۲) در این آیه شریفه نیز به اشتراک همه انسان‌ها در اصل وجودی اشاره شده و بیان می‌کند اجتماع بر اساس پیوندهای سببی و نسبی شکل می‌گیرد. «علامه طباطبایی» می‌نویسد: افراد انسان با همه کثرتی که دارد یک انسان هستند و افعال آن‌ها با همه کثرتی که از نظر عدد دارد از نظر نوع یک عمل است که به اعمالی متعدد تقسیم می‌شود، نظیر آب دریا که یک آب است ولی وقتی در ظرف‌های بسیاری ریخته می‌شود چند آب می‌شود، پس این آب‌ها که از نظر عدد بسیارند از نظر نوع یک آب هستند و در عین این‌که یک نوع هستند، آثار و خواص بسیار دارند و این آثار بسیار، وقتی آب‌ها یک جا جمع می‌شوند قوت و عظمت پیدا می‌کنند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۷/۴)

### ۲-۳- دومین مرحله: دعوت به اتحاد انسان‌ها بر پایه دین خدا

در آیات پیشین خداوند با ذکر مقدماتی بیان کرد همه انسان‌ها در اصل آفرینش یکسان هستند و معیار سعادت و رستگاری تقوی و تلاش انسان‌ها است و بدین ترتیب مرزبندی‌های اجتماعی مرسوم که بر اساس قومیت و حکومت و ثروت و ... بود را زیر سؤال برد. در این مرحله معیارهای جدیدی در تشکیل اجتماع معرفی می‌شود که از جمله آن‌ها صراط مستقیم و دستورات توحیدی است. بدین ترتیب خبر داده می‌شود که رفع اختلاف از بین مردم و ایجاد اتحادشان در کلمه، تنها و تنها از راه دعوت به اقامه دین و اتحادشان در دین واحد، تحقق می‌یابد، پس تنها دین است که ضامن اجتماع صالح آنان است پس باید با چنگ زدن به ریسمان الهی از تفرقه بپرهیزند. در ادامه مهم‌ترین آیات بر اساس ترتیب نزول بررسی می‌شود:

۲-۳-۱- آیه ۱۹ سوره مبارکه یونس

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَ لَوْ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضَىٰ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ. (یونس/۱۹): و مردم جز یک امت نبودند. پس اختلاف پیدا کردند. و اگر وعده‌ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود، قطعاً در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می‌کنند، میانشان داوری می‌شد.

سوره یونس پنجاه و یکمین سوره است که بعد از سوره اسراء در مکه نازل گردید (بغدادی، ۱۴۱۵: ۸/۱؛ سیوطی، ۱۹۷۴: ۴۰/۱؛ بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۳۴۵) و در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره دهم است، به درستی روشن نیست که این سوره در سال چندم بعثت نازل شده است. مؤلف «المیزان» معتقد است نزول این سوره در اوائل بعثت و به صورت یک‌باره بوده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۱۰) از این آیه شریفه بر می‌آید که انسان‌ها در ابتدا زندگی اجتماعی داشتند و در اعتقاد به توحید اشتراک داشتند ولی به دلیل پیروی از افکار باطل دچار اختلاف شدند. «روزه» دروزه» می‌نویسد: في الآية تقريرا بأن الناس قد فطروا على فطرة واحدة هي الإسلام لله و التوحيد ابتداء من آدم. فمنهم من يستقيم على هذه الفطرة و منهم من ينحرف عنها. (دروزه: ۱۳۸۳: ۴۵۵/۳) خداوند در این آیه بیان نموده که انسان‌ها طبق فطرت خود و به پیروی از انبیا طبق مبانی الهی اجتماع تشکیل داده بودند ولی بعدها به دلیل پیروی از مسائل پوچ همواره دچار اختلاف و درگیری شدند.

۲-۳-۲- آیه ۱۵۳ انعام

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ. (انعام/۱۵۳): و [بدانید] این است راه راست من پس، از آن پیروی کنید. و از راه‌ها [ی دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی مکنید



## بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول ۱۳۳

سوره انعام پنجاه پنجمین سوره است که در مکه نازل گردید. (بهجت‌پور، ۱۳۹۰: ۳۴۵) در روایات از امام صادق علیه‌السلام نقل شده که این سوره به یک باره و با مشایعت هفتاد هزار فرشته نازل شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۴/۴) در این آیه خداوند دعوت به بنیان نهادن نوع خاصی از اجتماع می‌کند و خط مشی اصلی آن را هم پیروی از راه راست «صراط مستقیم» ذکر می‌کند.

«صراط» به معنی راه و مستقیم نیز به معنی راست بودن و دوری از انحراف است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ۴۸۳/۱) مانند آن که قرآن کسی را که عدالت را رعایت می‌کند بر راه راست می‌داند: وَ مَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ هُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. (نحل/۷۶) و کسی که به عدالت فرمان می‌دهد و او به راه راست است. هر چند برای «صراط مستقیم» مصادیق مختلفی مانند دین خدا، اسلام، قرآن و... نیز گفته شده که جمع همه آن‌ها نیز امکان‌پذیر است. در این آیه یک راه جدید برای بنای اجتماع معرفی می‌شود اگر تا پیش از این بر پایه قومیت و قبیله و حکومت جامعه تشکیل می‌شود حال قرآن بیان می‌کند آن راه‌ها بی‌فایده است و اجتماع باید بر پایه راه خدا تشکیل شود. مفهوم آیه ۱۵۹ نیز شبیه به همین آیه است: إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ. (انعام/۱۵۹): کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچ‌گونه مسئول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست.

### ۲-۳-۳- آیه ۱۳ سوره مبارکه شوری

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَ الَّذِي أُوحِيَٰنَا إِلَيْكَ وَ مَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَ مُوسَىٰ وَ عِيسَىٰ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ. (شوری/۱۳): از [احکام] دین، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریع کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره

آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که: «دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی مکنید.

شوری شصت دومین سوره است که بعد از سوره فصلت در مکه نازل گردید. (نکونام، ۱۳۸۰: ۱۴۲) در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره چهل و دوم است. خداوند در این آیه خبر داده رفع اختلاف از بین مردم و ایجاد اتحادشان در کلمه، تنها و تنها از راه دعوت به اقامه دین و اتحادشان در دین واحد، تحقق می‌یابد و انبیا آغازکنندگان دعوت به اجتماع صالح بر پایه دین خدا بوده‌اند. صاحب «المیزان» می‌نویسد: دعوت به اجتماع دعوتی مستقل و صریح بوده که تنها از ناحیه مقام نبوت شروع شده، و آغازگر آن انبیا بوده‌اند و آن را در قالب دین به بشر پیشنهاد کرده‌اند به شهادت اینکه هم قرآن بدان تصریح نموده و هم تاریخ آن را تصدیق کرده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۷/۱۸)

### ۲-۳-۴- آیه ۳۲ سوره مبارکه زخرف

نَحْنُ قَسَمْنَا بِيَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، وَ رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ، لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ (زخرف/۳۲): آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم، و برخی از آنان را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند، و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است.

زخرف شصت و سومین سوره است که بعد از سوره شوری در مکه نازل گردید. (ملاحویش، ۱۳۸۲: ۶۰/۴) به نظر می‌آید که در سال‌های هشتم و نهم بعثت نازل شده باشد، متأسفانه تاریخ نزول آن دقیقاً معلوم نیست، در ترتیب فعلی قرآن مجید

سوره چهل و سوم است. گفته شده این آیه و آیات قبل و بعد آن در پاسخ به سخن «ولید بن المغیره» از قریش و «کنانه بن عبد بن عمرو بن عمیر» از طائف است که گفته بودند چرا قرآن بر یکی از مردان مکه و طائف نازل نشد؟ (طبری، ۱۴۱۲: ۴۰/۲۵) در این آیه بیان می‌شود که همکاری افراد جامعه به دلیل تفاوت در استعدادها و ساختار جسمی ضروری است ولی برتری‌های ظاهری نباید باعث غرور انسان شود چرا که رزق را خداوند تقسیم کرده و رحمت خداوند از این مناصب و طبقات بالاتر است. علاوه بر آن این اختلاف در استعدادها فقط برای انجام امور جامعه است و نباید بر پایه آن‌ها عده‌ای دست به طبقه‌بندی در جامعه بزنند. به صورت خلاصه پیام آیه این است که اختلاف طبقات اجتماعی عاملی برای رفع نیازها است و نباید بدین وسیله اتحاد جامعه از بین برود.

### ۲-۳-۵- آیه ۲ سوره مبارکه روم

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ. (روم/۲۰): و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید پس بناگاه شما [به صورت] بشری هر سو پراکنده شدید.

سوره روم هشتاد و چهارمین یا هشتاد و ششمین سوره است که بعد از سوره انشقاق در مکه نازل گردید (زرکشی، ۱۳۷۶: ۱/۱۹۳) و به دست می‌آید که در اواخر این دوره و در نزدیکی هجرت نازل شده باشد. طبرسی به نقل از «زهري» در شأن نزول آن می‌نویسد: کان المشركون يجادلون المسلمين و هم بمكة يقولون أن الروم أهل كتاب و قد غلبهم الفرس و أنتم تزعمون أنكم ستغلبون بالكتاب الذي أنزل إليكم على نبيكم فسنغلبكم كما غلبت فارس الروم و أنزل الله تعالى «الم غلبت الروم» إلى قوله «في بضع سنين» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱/۳۵۴): مشرکان مکه با مسلمانان بحث

می‌کردند؛ که رومیان اهل کتاب هستند و توسط ایرانیان شکست خوردند و شما گمان می‌کنید با کتابی که پیامبران بر شما فرستاده پیروز می‌شوید پس ما بر شما پیروز می‌شویم همان‌گونه که ایران بر روم غلبه کرد. و پس از آن سوره روم نازل شد.

در این آیات منشأ وجودی همه انسان‌ها خاک عنوان می‌شود و بدین ترتیب تفاخر و تعصبات اجتماعی بی‌ارزش شمرده می‌شود. «اذا» در آیه فوق «فجائیه» است یعنی به دلیل قدرت پرودگار مدت زمان زیادی طول نکشید تا اینکه آدم علیه‌السلام خلق شد و فرزندان او زیاد شدند و در زمین پخش شدند و جوامع مختلف به وجود آمد. (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸: ۲۵۰/۱۵) این آیه بیان می‌کند که بین انسان‌ها تفاوتی نیست و همه آن‌ها قبل از تشکیل جوامع مختلف دارای اصل واحدی بوده‌اند. پس جنگ‌ها و خونریزی‌ها و رقابت‌های شدید اجتماعی بی‌فایده است چرا که انسان‌ها همه یکسان هستند.

### ۲-۳-۶-آیه ۲۱۳ سوره مبارکه بقره

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً، فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ، وَ أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ، لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَ اللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (بقره/۲۱۳):

مردم، امتی یگانه بودند پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد- پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد- به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود، [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد. و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

## بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول ۱۳۷

سوره بقره اولین سوره است که در مدینه بعد از هجرت نازل شده است. ابن عباس می‌گوید: هی اول ما نزل بالمدينة، و هذا قول الحسن، و مجاهد، و عكرمة، و جابر بن زيد، و قتادة. (ثعلبی، ۱۴۲۲: ۱۳۶/۱؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲: ۲۴/۱) آنچه از این آیه استفاده می‌شود این است که مردم در ابتدا زندگی ساده‌ای داشتند، ولی کم‌کم در اثر کثرت افراد و ازدیاد سلیقه‌ها، اختلافات و درگیری‌ها پیش آمد. لذا نیازمند قوانین شد و این قوانین لباس دین به خود گرفت. چرا که دین یگانه عاملی است که حیات بشر را اصلاح می‌کند و قوای مختلف فطرت را در هنگام کوران و طغیان تعدیل نموده و برای انسان رشته سعادت زندگی در دنیا و آخرتش را منظم می‌سازد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱۱/۲) در این آیه نیز مانند آیات پیشین که در مکه نازل شده بود؛ راه وصول به وحدت تمسک به تعلیمات انبیا معرفی می‌شود چرا که قوانین بشری ناکارآمد هستند و خود باعث اختلاف می‌شوند. از همین رو در قرآن دین ضامن اصلاح اجتماع شمرده می‌شود.

### ۲-۳-۷- آیه ۴۶ سوره مبارکه انفال

وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِجْكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ. (انفال/۴۶): و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع مکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود. و صبر کنید که خدا با شکیبایان است.

انفال هشتاد و هشتمین سوره است که بعد از سوره بقره و نبرد تاریخی بدر، در مدینه نازل گردید. (بغدادی، ۱۴۱۵: ۸/۱، بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۴۵) در این آیه یکی از نتایج وجود اختلافات از بین رفتن توان و اقتدار جامعه معرفی می‌شود امری که عرب در دوره جاهلیت به صورت ملموس با آن آشنا بود. به گواه منابع تاریخی

اعراب بادیه‌نشین به دلایل مختلف همچون چپاول دیگران، منابع طبیعی، خون‌خواهی و ... با یکدیگر درگیر می‌شدند و گاه جنگ‌های طولانی و خانمان‌سوز رخ می‌داد. (علی، ۱۴۲۲: ۷۵/۱۰) در مدینه نیز درگیری‌های شدید بین اوس و خزرج، توان این دو قبیله را نابود کرده بود. علاوه بر این آیه اختلاف مسلمانان در جنگ بدر را نیز به آن‌ها یادآوری می‌کند که با اطاعت از خدا و رسولش توانستند بر دشمن پیروز شوند ولی در جنگ احد اختلافات سبب شکست شد. (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۵۳۶/۲) در این آیه نیز مانند آیات پیشین دعوت به اتحاد مسلمانان بر پایه توحید می‌شود و مسلماً اهمیت این موضوع برای جامعه نوپای اسلامی که درگیر جنگ با مشرکان بود، دوچندان می‌شد.

### ۲-۳-۸- آیه ۱۰۳ آل عمران

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. (آل عمران/۱۰۳): و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید، و پراکنده نشوید و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آن گاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید.

آل عمران سومین سوره‌ای است که بعد از سوره انفال در مدینه نازل گردیده است. (سیوطی، ۱۹۷۴: ۴۱/۱) هر چند برخی معتقدند این سوره به دلیل در بر داشتن حوادث مختلف تاریخ به یک‌باره نازل نشده است. مؤلف «تفسیر الحدیث» می‌نویسد: مشکل است بگوئیم: همه سوره به یک‌باره نازل گشته است، مثلاً مقداری

از آیات آن در رابطه با جنگ تاریخی «احد» می‌باشد که در اواخر سال سوم هجرت اتفاق افتاده است، علی‌هذا باید این سوره در اواخر همان سال نازل شده باشد، از طرف دیگر حدود هشتاد آیه راجع به جریان آل عمران و آمدن هیأت نجرانی به مدینه و مباحثه با آنها است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۲/۲) «علامه طباطبایی» اما معتقد است سوره به یک‌باره نازل شده است: این احتمال خیلی به ذهن نزدیک می‌رسد که سوره آل عمران یکباره نازل شده باشد، برای این‌که آیاتش که دوپست آیه است ظهوری روشن در بهم پیوستگی و انسجام دارد، و از اول تا به آخر متناسب با هم است، و پیداست که همه اغراض آنها بهم مربوط است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۷/۳) در سبب نزول آیه نیز «ابن عباس» روایت می‌کند: «بین اوس و خزرج در زمان جاهلیت شری بود، پس آن را بین خود یادآوری کردند، تحریک شدند و دست به شمشیر بردند، رسول الله صلی الله علیه و آله رسید و موضوع را برای ایشان تعریف کردند نزاع خاتمه یافت. پس این آیه نازل شد. (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱: ۱/۱۲۱)

در تفسیر «حبل الله» معانی هم‌چون قرآن، اسلام، ائمه علیهم السلام و ... گفته شده است. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۵/۲) طبیعی است که این مصادیق منافاتی با یک‌دیگر ندارند و می‌تواند بر هر کدام حمل شود. مفاد این آیه شبیه به مطالب پیشین است چرا که مردم را دعوت به چنگ زدن به ریسمان الهی و بازگشت به فطرت توحیدی خود می‌کند. علاوه بر آن برادری بین مسلمانان یکی از نعمات خداوند عنوان می‌شود. پیوندی که در دوره مکی پایه‌های آن نهاده شد و بیان شد آفرینش انسان‌ها همگی از یک اصل بوده است و با گسترش اسلام تقویت شد و تعصبات قومی و قبیله‌ای از بین رفت.

## ۲-۴- مرحله سوم: بنیان نهادن جامعه اسلامی

پیش از این خداوند با عبارات و اشارات گوناگون سعی در از بین بردن عقاید جاهلی کرد و مردم را دعوت به اتحاد بر پایه دین خدا کرد. از این آیه به بعد خداوند معیارهای جامعه اسلامی را ذکر می‌کند و اجتماعی با ویژگی‌های جدید را بنیان می‌دهد و اولین ویژگی آن امر به معروف و نهی از منکر عنوان می‌شود که ارتباط مستقیم با اصلاح امور جامعه دارد. در این مرحله اجتماع خاصی مطرح می‌شود که روابط در آن بر پایه تقوی، عدالت، اصلاح و اخوت شکل می‌گیرد و طبقه‌بندی شهروندان بر اساس تقوی است. مهم‌ترین ویژگی‌های افراد آن نیز دوستی با یکدیگر، برپایی نماز، دادن زکات، امر به معروف و نهی از منکر و اطاعت از دستورات خدا و رسولش است.

## ۲-۴-۱- آیه ۱۰۴ سوره مبارکه آل عمران

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ. (آل عمران/۱۰۴) و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند.

در آیات پیش سخن از وحدت جامعه به عنوان یکی از عوامل موفقیت به میان آمد و به افراد جامعه توصیه شد که با چنگ زدن به ریسمان الهی از تفرقه بپرهیزند. مسلماً یکی از لوازم جامعه متحد بر پایه توحید، بازدارندگی سایر اعضای جامعه از لغزش و دعوت آن‌ها به خیر است. لذا در آیه ۱۰۴ آل عمران امر به معروف و نهی از منکر یکی از ارکان جامعه اسلامی معرفی می‌شود. علاوه بر آن در آیه ۱۱۰ از همین سوره فرمان همگانی امر به معروف و نهی از منکر صادر می‌شود: كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ لَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ



## بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول ۱۴۱

لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ. (آل عمران/۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند بازمی‌دارید، و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند. «عکرمه» و «مقاتل» گویند: این آیه در شأن ابن مسعود و ابی ابن کعب و معاذ بن جبل و سالم مولی ابی حذیفه نازل شد، به این معنی، مالک بن ضیف و وهب بن یهودا که یهودی بودند به آنان گفتند: دین ما بهتر از آن دینی است که ما را به آن می‌خوانند و ما بهتر و شریف‌تر از شما هستیم، پس خداوند تعالی این آیه را نازل کرد. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۸۱۲/۲؛ اسلامی: ۱۳۸۱: ۱۰۳/۱) آیه ۱۰۴ مبین مرحله‌ی خاصی از امر به معروف و نهی از منکر است که توسط گروه ویژه و رسمی صورت می‌گیرد. اما در آیه ۱۱۰ به مرحله عمومی که یک وظیفه همگانی است اشاره می‌شود. جالب توجه اینکه در این آیه مسلمانان به عنوان بهترین امتی معرفی شده که برای خدمت به جامعه انسانی بسیج گردیده است، و دلیل بهترین امت بودن آنها این ذکر شده که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و ایمان بخدا دارند و این خود می‌رساند که اصلاح جامعه بشری بدون ایمان و دعوت به حق و مبارزه با فساد ممکن نیست، و ضمناً از آن استفاده می‌شود که این دو وظیفه بزرگ با وسعتی که در اسلام دارد در آئین‌های پیشین نبوده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۸/۳)

### ۲-۴-۲- آیه ۲۰۰ سوره مبارکه آل عمران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. (آل عمران/۲۰۰): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید.

این آیه محتوی یک برنامه جامع چهار ماده‌ای «اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا» برای جامعه اسلامی است. مؤلف تفسیر «مفاتیح الغیب» می‌نویسد: صبر بر چندگونه است؛ نخست صبر بر سختی جستجو و استدلال در شناخت توحید و عدل و نبوت و معاد و سختی پاسخ‌گویی بر مخالفین. دوم صبر در عمل به واجبات و مستحبات. سوم؛ صبر در رویگردانی از امور نهی شده و چهارم؛ صبر بر سختی‌های دنیا و آفات آن هم‌چون بیماری‌ها و فقر و قحطی و ترس. و سخن خداوند «أصبروا» همه این اقسام را در بر می‌گیرد. اما «مصابره» شامل تحمل رفتار تو و دیگران می‌شود. تحمل اخلاق خانواده و نزدیکان و خویشاوندان داخل در این نوع است. ترک انتقام کسی که به تو بدی کرده و فداکاری درباره دیگران و امر به معروف و نهی از منکر نیز شامل آن می‌گردد. (فخررازی، ۱۴۲۰: ۴۷۳/۹) اصل ماده «ربط» به معنای بستن است و چون در کاروانسراها اسب و دیگر حیوانات بسته می‌شود آن‌ها را «رباط» می‌نامند. (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ۳۳۸/۱) رابطه از نظر معنا اعم از مصابره است، چون مصابره عبارت بود از وصل کردن نیروی مقاومت افراد جامعه در برابر شدائد ولی «مربطه» عبارت است از وصل کردن نیروها، اما نه تنها نیروی مقاومت در برابر شدائد، بلکه همه نیروها و کارها، در جمیع شؤون زندگی دینی، چه در حال شدت و چه در حال رخا و خوشی را در برمی‌گیرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۹۱/۴) چون در آیات پیشین توصیه به اتحاد، امر به معروف و نهی از منکر و یکسان بودن همه انسان‌ها نمود در این آیه توصیه به ایجاد روابط بیشتر بر پایه صبر و تقوی نمود و اگر مشکلی در راه عمل به مفاد آیات پیشین به وجود آمد باید مشتقات آن تحمل شود.

۲-۴-۳-آیه ۱۳۵ سوره مبارکه نساء

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَ إِن تَلَوْا أَوْ نَعْرِضُوا فإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا. (نساء/۱۳۵): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد. اگر [یکی از دو طرفِ دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است پس، از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید. و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

سوره نساء ششمین سوره است که بعد از سوره ممتحنه در مدینه نازل گردیده، و در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره چهارم است. (زرکشی، ۱۳۷۶: ۱/۱۹۴؛ نکونام، ۱۳۸۰: ۱۴۲) نگارنده «التفسیر الحدیث» می‌نویسد: و أكثر روایات ترتیب النزول تجعل هذه السورة سادسة السور المدنية نزولاً و منها ما يجعلها ثامنة. (دروزه، ۱۳۸۳: ۸/۸) «میبدی» در سبب نزول این آیه می‌نویسد: این آیت در شأن مردی آمد که به نزدیک وی گواهی بود بر پدر وی، و می‌ترسید که اگر آن گواهی بدهد، اجحافی باشد به مال وی، و درویشی وی بیفزاید. (میبدی، ۱۳۷۱: ۲/۷۲۱) مؤلف تفسیر نمونه نیز می‌نویسد: این موضوع در همه اجتماعات و مخصوصاً در اجتماعات جاهلی وجود داشته و دارد که معمولاً در شهادت دادن، مقیاس را حب و بغض‌ها و چگونگی ارتباط اشخاص با شهادت دهنده قرار می‌دهند اما حق و عدالت برای آن‌ها مطرح نیست، مخصوصاً افراد تازه مسلمان حتی بعد از ورود به مدینه به خاطر ملاحظات خویشاوندی از ادای شهادت‌هایی که به ضرر بستگان‌شان می‌شد خودداری می‌کردند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴/۱۶۳) در این آیه یکی دیگر از معیارهای

جامعه اسلامی یعنی برابری و عدالت مطرح می‌شود. در حالی که پایه‌های این معیار در دوره مکی با اشاره به یکسان بودن همه انسان‌ها و برخورداری از پاداش بر اساس ایمان و عمل صالح بنیان نهاده شده بود.

#### ۲-۴-۴- آیه ۴۱ سوره مبارکه حج

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ. (حج/۴۱): همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امری دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند.

سوره «حج» هفدهمین سوره است که بعد از سوره نور در مدینه نازل گردید. (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۴۶) مؤلف «المیزان» درباره زمان نزول این سوره می‌نویسد: این سوره سیاقی دارد که از آن بر می‌آید مشرکین هنوز شوکت و نیرویی داشته‌اند و نیز مؤمنین را به نماز، حج، عمل خیر، اذن در قتال و جهاد مخاطب قرار داده، و آیات آن دارای سیاقی است که می‌فهماند مؤمنین جمعیتی بوده‌اند که اجتماعشان تازه تشکیل شده است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۳۹/۱۴) همچنین آیات «هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا» (حج/۱۹) و امثال آن حاکی است که سوره حج بعد از «بدر» نازل شده است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۳/۷) در این آیه شریفه؛ نماز، زکات، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان ثمرات اجتماع اسلامی معرفی می‌شوند. صاحب «مجمع‌البیان» درباره این آیه می‌نویسد: تمکین؛ قدرت بخشیدن و ابزار کار را در اختیار دیگری قرار دادن و راهنمایی کردن بر انجام کار است یعنی ما به آن‌ها وسائل کارها را دادیم و در زمین قدرت بخشیدیم تا نماز بگزارند و حقوق واجب مالی را ادا کنند و امر به معروف و نهی از منکر انجام دهند. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱۴۰/۷)

## ۲-۴-۵- آیات ۱۰ و ۹ سوره مبارکه حجرات

وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِن بَعَثَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِن فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ\* إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. (حجرات / ۱۰-۹) در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید. و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید، و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر باز گشت، میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد.

سوره حجرات بیستمین سوره است که بعد از سوره مجادله در مدینه نازل گردید. (بهجت‌پور، ۱۳۹۲: ۳۴۵) در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره چهل و نهم است، دقت در آیات آن نشان می‌دهد که به وقت نزول آن حکومت اسلامی استقرار یافته بود و در آن به جای جهاد با دشمن، بیشتر جهاد با نفس مطرح است. (قرشی، ۱۳۷۷: ۲۶۲/۱۰) در سبب نزول آیه گفته شده؛ در مورد تیره «عبد الله بن ابی بن سلول» از طایفه خزرج و تیره «عبد الله بن رواحه» از طایفه اوس نازل شده است، و علتش هم این بوده است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله مقابل «عبد الله بن ابی» می‌ایستد الاغ حضرت آلودگی می‌کند، عبدالله دماغ خودش را می‌گیرد و به حضرت می‌گوید از جلو من دور شو «عبد الله بن رواحه» به او می‌گوید: الاغ رسول خدا بویش از تو و پدرت بهتر است، قبیله عبد الله بن ابی ناراحت شده عبدالله نیز از قومش کمک خواست، و بین آنان با آهن و دست و نعلین زد و خورد درگرفت. (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۳، ۱۹۸) خداوند در آیه نهم سوره حجرات دستور داده که بین

مؤمنان را اصلاح کنید و باید توجه داشت که مفهوم اصلاح فراگیرتر و دارای معانی عمیق‌تری است نسبت به آنچه در حقوق بین‌الملل «Peace» یا «سازش» نامیده می‌شود. لغویان اصلاح را ضد فساد می‌دانند و آن را به ازاله نفرت در بین مؤمنین اختصاص داده‌اند. (فیومی، بی‌تا: ۳۴۵/۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۲: ۴۸۹/۱) خداوند اصلاح را مرحله پس از توبه ذکر نموده: «إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.» (آل عمران/۸۹؛ نساء/۱۴۶؛ مائده/۳۹): مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و درستکاری [بیشه] نمودند، که خداوند آمرزنده مهربان است. صاحب تفسیر پرتویی از قرآن در مورد چگونگی وقوع «اصلاح» می‌نویسد: اصلاح نفس و اخلاق، با زدودن جرم‌های گناه و پرورش فضائل، اصلاح اندیشه با آگاهی و شناخت خیر و شر و مسئولیت‌ها و جبران غفلت‌ها و رهایی از غرور، اصلاح تفکر با استدلال و استنتاج آزاد از تعصب‌ها، و بالاخره سرآمد همه این‌ها اصلاح دید ایمانی است تا گرفتار غرور و جمود و کفر ایمانی نگردد. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۲۲۶/۵)

#### ۲-۴-۶-آیه ۱۳ سوره مبارکه حجرات

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقْوَمُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ. (حجرات/۱۳): ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.

آیه مورد بحث مخاطب کل جامعه انسانی است و مهمترین اصلی را که ضامن نظم و ثبات است بیان می‌کند، و میزان واقعی ارزش‌های انسانی را در برابر ارزش‌های کاذب و دروغین مشخص می‌سازد و بدین وسیله مهم‌ترین معیار

## بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول ۱۴۷

ارزشمندی شهروندان در جامعه جاهلی یعنی نسب و قبیله‌گرایی را در هم می‌شکنند. در سبب نزول آیه بیان شده؛ بعد از فتح مکه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد اذان بگویند، بلال بر پشت بام کعبه رفت، و اذان گفت، عتاب بن اسید که از آزاد شدگان بود گفت شکر می‌کنم خدا را که پدرم از دنیا رفت و چنین روزی را ندید. و «حارث بن هشام» نیز گفت: آیا رسول الله صلی الله علیه و آله غیر از این کلاغ سیاه کسی را پیدا نکرد؟ آیه فوق نازل شد و معیار ارزش واقعی را بیان کرد. (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۴۱/۱۶) «شعوب» جمع شعب و نخستین طبقه از طبقات ششگانه مانند مضر و ربیعه است. قبیله کمتر از شعوب است مانند بکر بن ربیعه و تمیم بن مضر. (طبرسی، ۱۳۷۷: ۱۵۸/۴) آیه بیان می‌کند مردم با هم برابرند، و هیچ اختلاف و فضیلتی در بین آنان نیست، و کسی بر دیگری برتری ندارد، و اختلافی که در خلقت آنان دیده می‌شود که شعبه شعبه و قبیله قبیله هستند تنها به این منظور در بین آنان به وجود آمده که یکدیگر را بشناسند، تا اجتماعی که در بینشان منعقد شده نظام بپذیرد، و ائتلاف در بینشان تمام گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۲۵/۱۸) خداوند در آیات پیش مؤمنان را برادر نامید و دستور به اصلاح در بین برادران داد تا بدین وسیله اختلافات از بین رود. در این آیه ملاک کرامت انسانی را تقوی قرار می‌دهد تا درگیری بر سر مسائل پوچ و بی‌ارزش از بین برود. چرا که بسیاری از جنگ‌ها و خونریزی‌ها به دلیل رقابت در به دست آوردن ثروت و ریاست و سایر اهداف بی‌ارزش است.

### ۲-۴-۷- آیه ۲ سوره مبارکه مائده

سوره مائده بعد از سوره «فتح» و صلح حدیبیه در مدینه نازل شده و صد و بیست آیه است. (سلیمان بلخی، ۱۴۲۳: ۱/۴۴۷) صاحب «المیزان» می‌نویسد: اهل حدیث و

تاریخ اتفاق دارند بر اینکه سوره مائده آخرین سوره از سوره‌های مفصل قرآن است، که در اواخر ایام حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله بر آن جناب نازل شده، در روایات شیعه و سنی هم آمده که در مائده ناسخ هست ولی منسوخ نیست، چون بعد از مائده چیزی نازل نشد تا آن را نسخ کند، و مناسب با این وضع همین بود که در این سوره به حفظ پیمان‌هایی که خدای تعالی از بندگانش گرفته، و خویشتن داری در حفظ آن‌ها سفارش کند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۵۶/۵) تا قبل از این خداوند رعایت تقوی و اصلاح در فعالیت‌های اجتماعی را ضروری بیان کرده بود. در این آیه اصل شکل‌گیری اجتماع را بر پایه نیکوکاری و تقوی ذکر می‌کند. یعنی برخلاف اجتماعاتی که با هدف ستم‌گری و گناه انجام می‌شود مبنای تشکیل جامعه اسلامی باید بر اساس اشاعه خیر و پرهیز از ظلم و تعدی باشد. در آیه ۲ این سوره بیان شده: وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (مائده/۲): و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت‌کیفر است.

آنچه در آیه فوق در زمینه تعاون آمده یک اصل کلی اسلامی است که سراسر مسائل اجتماعی و حقوقی و اخلاقی و سیاسی را در بر می‌گیرد، طبق این اصل مسلمانان موظفند در کارهای نیک تعاون و همکاری کنند ولی همکاری در اهداف باطل و اعمال نادرست و ظلم و ستم، مطلقاً ممنوع است، هر چند مرتکب آن دوست نزدیک یا برادر انسان باشد. این قانون اسلامی درست بر ضد قانونی است که در جاهلیت عرب- و حتی در جاهلیت امروز- نیز حکومت می‌کند که «انصر اخاک ظلماً او مظلوما»: برادر (یا دوست و هم پیمان) را حمایت کن خواه ظالم باشد یا



مظلوم. در آن روز اگر افرادی از قبیله‌ای حمله به افراد قبیله دیگر می‌کردند، بقیه افراد قبیله بدون تحقیق در علت ماجرا به حمایت آن‌ها بر می‌خواستند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۲۵/۴) در آیه ۵۴ از همین سوره خداوند بر تحقق جامعه فاضله اسلامی در آینده تأکید می‌کند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ، يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ. (مائده/۵۴): ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند.

این آیه که از آخرین آیات نازل شده است وعده می‌دهد روزی خواهد آمد که اسلام زمام امور جامعه انسانی را در هر جا که مجتمعی از انسان باشد بدست خواهد گرفت. در تفسیر قمی نقل شده که این آیه درباره «مهدی» موعود (عج) و اصحابش نازل شده است. (قمی، ۱۳۶۷: ۱/۱۷۰) «طبرسی» می‌نویسد: یوجب أن یکون ذلک القوم غیر موجودین فی وقت نزول الخطاب فهو یتناول من یکون بعدهم بهذه الصفة إلى قیام الساعة. (طبرسی، ۱۳۷۳: ۳/۳۲۲): آن قومی که خداوند نسبت به آن‌ها وعده می‌دهد باید در وقت نازل شدن آیه، موجود نباشند، بنابراین شامل تمام کسانی که تا روز قیامت، بر این صفات هستند، می‌شود. گفتنی است خداوند در آیات پیشین معیارهای مختلفی را برای جامعه اسلامی ترسیم کرد و گویی در این آیه یک نتیجه‌گیری را بیان می‌کند و الگویی برای جامعه اسلامی مشخص می‌کند. در عین حال به مؤمنان امید می‌دهد که روزی آرمان‌های آن‌ها محقق خواهد شد.

۲-۴-۸- آیه ۷۱ سوره مبارکه توبه

و الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ يُطِيعُونَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ. (توبه/۷۱): و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و نماز را بر پا می‌کنند و زکات می‌دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می‌برند. آن‌اند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد. که خدا توانا و حکیم است.

سوره توبه بعد از مائده در مدینه نازل گردید؛ «بخاری» نقل کرده که آخرین سوره نازل شده است. (بخاری، ۱۴۰۷: ۴/۴۳۲۹) عابد الجابری و دروزه آن را بیست و هفتمین سوره مدنی قرار داده‌اند. (دروزه؛ ۱۳۸۳: ۹/۳۴۰) برخی نیز جمع کرده‌اند که بر اساس آیات ابتدایی این سوره آخرین سوره و سوره نصر آخرین سوره کامل است ولی در هر صورت نزول آن را بالاتفاق در سال نهم هجرت گفته‌اند. (سیوطی، ۱۹۷۴: ۳۲/۱) در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره نهم است. این آیه احتمالاً آخرین آیه‌ای است که در مورد مسائل اجتماعی سخن به میان آمده است و مهم‌ترین ویژگی‌های شهروندان جامعه اسلامی بیان شده است. دوستی آن‌ها با هم، امر به معروف و نهی از منکر، برپایی نماز، دادن زکات و اطاعت از خداوند و رسولش از جمله این اوصاف است که در آیات سابق نیز به صورت پراکنده به آن‌ها توجه شده بود. نکته جالب توجه درباره آیه ذکر زنان به صورت جداگانه در کنار مردان است. مؤلف «تفسیر الحدیث» می‌نویسد: ذکر زنان در کنار مردان بیانگر جایگاه اجتماعی آنان و اهلیت بانوان برای انجام تکالیف مختلف مثل امر به معروف و نهی از منکر است. به خصوص که سوره توبه از آخرین سوره‌های نازل شده است و خداوند با یاد کردن از

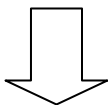
زنان مؤمن در آخرین سوره‌ها نقش مهم آن‌ها را در جامعه اسلامی از نظر سیاسی و اجتماعی تأکید می‌کند و بیان می‌کند که آن‌ها باید محکم و استوار وظایف اجتماعی خودشان را در کنار مردان مؤمن به انجام برسانند. این آیه که از آخرین رهنمودهای اجتماعی قرآن است به نوعی چکیده‌ای از مباحث پیشین و مهم‌ترین معیارهای اجتماع اسلامی است. خداوند در پایان آیه نیز وعده رحمت الهی که بالاترین پاداش است را به مؤمنان می‌دهد و به آن‌ها امید می‌دهد که به زودی سعادت دنیوی و اخروی شامل حال آن‌ها خواهد شد.

### نتیجه‌گیری

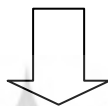
از آنچه گفته شد به دست می‌آید، جامعه‌سازی قرآن سه مرحله کلی را طی کرده است؛ نخست اصل یکسان انسان‌ها در آفرینش را یادآوری کرده است و با تشویق جامعه به تزکیه و تقوی معیارهای مرسوم در زمینه ایجاد اجتماع را زیر سؤال برده است. چرا که امت‌های قدیم بیشتر بر اساس پیوندهای قومی و نژادی یا وطنی و اقلیمی تشکیل می‌شد و همه زیر نظر شاه و حکومت استبدادی قرار می‌گرفتند و راهنمای زندگیشان هم همان عامل وراثت و اقلیم و غیر این دو بوده، نه این‌که به اهمیت مساله اجتماع پی برده باشند. در مرحله دوم دعوت به معیارهای جدیدی در تشکیل اجتماع یعنی بر پایه صراط مستقیم و دستورات توحیدی نموده است و خبر می‌دهد که رفع اختلاف از بین مردم و ایجاد اتحادشان در کلمه، تنها و تنها از راه دعوت به اقامه دین و اتحادشان در دین واحد، تحقق می‌یابد، پس تنها دین است که ضامن اجتماع صالح آنان است پس باید با چنگ زدن به ریسمان الهی از تفرقه بپرهیزند. در مرحله سوم اجتماع خاصی را بنیان نهاده که روابط در آن بر پایه تقوی،

عدالت، اصلاح و اخوت شکل می‌گیرد و طبقه‌بندی شهروندان بر اساس تقوی است. مهم‌ترین ویژگی‌های افراد آن نیز دوستی با یکدیگر، برپایی نماز، دادن زکات، امر به معروف و نهی از منکر و اطاعت از دستورات خدا و رسولش است. در شکل زیر این سه مرحله را ملاحظه می‌کنید:

آگاهی دادن به اصل مشترک انسان‌ها در آفرینش



دعوت به اجتماع بر اساس دین خدا و پرهیز از تفرقه



بنیان نهادن جامعه‌ای خاص با معیارهای مانند تقوی، اصلاح، عدالت و اخوت

\*\*\*\*\*

## کتابنامه

۱. ابن ابی جامع، علی بن حسین، (۱۴۱۳ ه.ق). الوجیز فی تفسیر القرآن العزیز (عاملی)، (محقق: مالک محمودی)، قم: دارالقرآن الکریم.
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، (۱۴۱۹ ه.ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن ابی حاتم)، چاپ سوم، ریاض: مکتبه نزار مصطفی الباز.
۳. ابن ابی زمنین، محمد بن عبدالله، (۱۴۲۴ ه.ق)، تفسیر ابن ابی زمنین، بیروت: دارالکتب العلمیة: منشورات محمدعلی بیضون.
۴. ابن حجر، محمد بن علی، (۱۴۱۵ ه.ق)، الإصابه، (تحقیق: شیخ عادل احمد عبد الموجود و شیخ علی محمد معوض)، بیروت: دارالکتب العلمیة.
۵. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۵ ه.ق)، تذکره الأریب فی تفسیر الغریب (غریب القرآن الکریم)، بیروت: دارالکتب العلمیة - منشورات محمدعلی بیضون.

## بررسی جامعه‌سازی قرآن در بستر تاریخی نزول ۱۵۳

۶. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۹ هـ.ق)، تفسیر القرآن العظیم (ابن کثیر)، (محقق: محمدحسین شمس‌الدین)، بیروت: دار الکتب العلمیة - منشورات محمدعلی بیضون.
۷. ابن عطیة، عبد الحق بن غالب، (۱۴۲۲ هـ.ق)، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز، (گردآورنده: جمال طلبه)، (محقق: عبدالسلام عبدالشافی محمد)، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمدعلی بیضون.
۸. اشکور، محمد بن علی، (۱۳۷۳ هـ.ش)، تفسیر شریف لاهیجی، (مصحح: جلال‌الدین محدث)، تهران، دفتر نشر داد.
۹. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ هـ.ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، (محقق: بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی)، قم: موسسة البعثة - قسم الدراسات الإسلامية.
۱۰. بخاری، محمد بن اسماعیل، (۱۴۱۰ هـ.ق)، صحیح البخاری، (محقق: مصر. وزارة الأوقاف، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، لجنة إحياء كتب السنة)، چاپ دوم، قاهره: جمهورية مصر العربية - وزارة الأوقاف - المجلس الاعلى للشئون الإسلامية - لجنة إحياء كتب السنة.
۱۱. بروجردی، محمدابراهیم، (۱۳۶۶ هـ.ش)، تفسیر جامع، چاپ ششم، تهران: کتابخانه صدر.
۱۲. ثعلبی، احمد بن محمد، (۱۴۲۲ هـ.ق)، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، (محقق: ابی محمد ابن عاشور، مراجعه و تدقیق: نظیر ساعدی)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ هـ.ق)، تفسیر نور الثقلین، (مصحح: هاشم رسولی)، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
۱۴. سمرقندی، نصر بن محمد، (۱۴۱۶ هـ.ق)، تفسیر السمرقندی المسمى بحر العلوم، (محقق: عمر عمروی)، بیروت: دارالفکر.
۱۵. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر، (۱۴۰۴ هـ.ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره).

١٦. شبر، عبدالله، (١٤٠٧ هـ ق)، الجوهر الثمين فى تفسير الكتاب المبين، (مقدمه نویس: محمد بحر العلوم)، کویت: شركة مكتبة الالفين.
١٧. طباطبایى، سید محمدحسین، (١٣٩٠ هـ ق)، المیزان فى تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
١٨. طبرانی، سلیمان بن احمد، (٢٠٠٨ م)، التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)، اربد: دار الكتاب الثقافی.
١٩. طبری، محمد بن جریر، (١٤١٢ هـ ق)، جامع البیان فى تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت: دار المعرفة.
٢٠. طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فى تفسیر القرآن، (مصحح: احمد حبیب عاملی)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
٢١. فخر رازی، محمد بن عمر، (١٤٢٠ هـ ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، شبیروت: دار إحياء التراث العربی.
٢٢. فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، (١٤١٥ هـ ق)، تفسیر الصافی، (مقدمه و تصحیح: حسین اعلمی)، چاپ دوم، تهران: مكتبة الصدر.
٢٣. قمی، علی بن ابراهیم، (١٣٦٣ هـ ش)، تفسیر القمی، (محقق: طیب موسوی جزایری)، چاپ سوم، قم: دار الكتاب.
٢٤. ماوردی، علی بن محمد، (بی تا)، النکت و العیون تفسیر الماوردی، (مراجعہ و تعلیق: سید بن عبدالمقصود عبدالرحیم)، بیروت: دارالکتب العلمیة - منشورات محمدعلی بیضون.
٢٥. مغنیه، محمدجواد، (١٤٢٤ هـ ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الكتاب الإسلامی.
٢٦. مکارم شیرازی، ناصر، (١٣٧١ هـ ش)، تفسیر نمونه، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
٢٧. واحدی، علی بن احمد، (١٤١٥ هـ ق)، الوجیز فى تفسیر الكتاب العزیز (واحدی)، (محقق: صفوان عدنان داوودی)، بیروت: دار القلم.